



بهره‌گیری میرداماد از قرآن در دانش فلسفه / توصیف قرآن از انسان با تعریف انسان مدرن کاملاً تفاوت دارد

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به کارکرد آیات قرآنی در علوم اسلامی و به ویژه فلسفه، میرداماد را به عنوان فیلسوفی معرفی کرد که از آیات قرآن در دانش فلسفه بهره جست.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به کارکرد آیات قرآنی در علوم اسلامی و به ویژه فلسفه، میرداماد را به عنوان فیلسوفی معرفی کرد که از آیات قرآن در دانش فلسفه بهره جست. به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نشست «آسیب شناسی نقش حداقلی قرآن در تولید علوم انسانی اسلامی» که عصر دوشنبه، 31 تیرماه در بیست و یکمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم، برگزار شد، گفت: بحث تحول علوم انسانی هنوز در کشور ما چندان جدی گرفته نشده است. اول باید به این مسأله توجه شود تا بعد از آن بتوانیم نقش قرآن در فرآیند اسلامی سازی را مورد بررسی قرار دهیم.

وی با بیان اینکه در رابطه با نقش قرآن در علوم انسانی تاکنون کارهای متعدد و جزیره ای انجام شده است، تصریح کرد: متأسفانه با این وجود به صورت اساسی به این موضوع آنچنان که باید پرداخته نشده است، بنابراین شاهد هستیم که درباب نقش قرآن در علوم انسانی به طریق اولی ضعف وجود دارد که شاید علت این امر را بتوان در عدم وجود بررسی مشخص در خصوص نقش قرآن در این باب دانست.

خسروپناه افزود: علوم انسانی ساحت های مختلفی دارد که با توجه به این ساحت ها این علوم در یک مفهوم دارای معنای عام می شوند که تمامی علوم دانشگاهی غیر از علوم پایه، علوم طبیعی و علوم انسانی را می گویند.

این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان اینکه تاکنون در رابطه با نقش قرآن در برخی علوم به صورتی مبسوط کار شده است، افزود: برای مثال معروف است که فقها می گویند 500 آیه فقهی در قرآن وجود دارد.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تصریح کرد: در زمینه علومی چون فلسفه اسلامی نیز از زمان میرداماد به بعد نقش قرآن در فلسفه واضح تر و نمایان تر شد و میرداماد سعی کرد از آیات قرآن در فلسفه استفاده کند و ملاصدرا نیز این روش را ادامه داد. نمی خواهم بگویم استفاده از قرآن در مباحث فلسفی به حد کفایت رسیده است اما اقداماتی که در این حوزه انجام شده است، قابل اعتناست، ضمن آنکه همواره باید به آن بخش از علوم انسانی که دغدغه است باید در علوم انسانی اسلامی به آن توجه کرد.

حجت الاسلام خسروپناه با بیان اینکه یکی از مباحثی که باید در حوزه علوم انسانی اسلامی مورد توجه قرار گیرد، مباحث مربوط به علوم رفتاری و اجتماعی است، افزود: در واقع اسلامی سازی و قرآنی سازی این علوم بسیار حائر اهمیت است، ضمن آنکه این علوم سه وظیفه مهم دارند، در واقع این علوم اولاً انسان مطلوب و انسان ممکن را توصیف می کنند، در ساحت دوم این علوم به توصیف انسان محقق می پردازند و در سومین مرحله علوم رفتاری و اجتماعی تغییر انسان محقق به انسان مطلوب را بررسی می کنند.

رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: نقش قرآن در ساحت توصیف انسان محقق نقشی حداکثری است، یعنی قرآن به این پرسش پاسخ داده است که انسان اسلامی چگونه انسانی است، ضمن آنکه توصیف قرآن از انسان اسلامی با تعریف انسان مدرن کاملاً تفاوت دارد.

وی با بیان اینکه ساحت های وجودی انسان در دنیای مدرن یک انسان ماتریالیست است، تصریح کرد: در دنیای مدرن از روان صحبت می کنند اما از روح چیزی نمی گویند اما قرآن صریحا از فطرت ملکوتی انسان سخن گفته است و می گوید انسان از فطرت الهی برخوردار است در حالی که هابز در یکی از کتاب های خود می گوید انسان ها گرگ یکدیگرند و به همین دلیل نیاز به حاکمی دارند تا تمامی اختیارات آنها را در دست گیرد.

خسروپناه در پایان گفت: به علت آنکه هنوز علوم انسانی اسلامی در جامعه ما جدی گرفته نشده است لذا نسبت این علوم با قرآن نیز مورد توجه قرار نگرفته است چراکه هنوز علوم انسانی را تفکیک نکرده ایم، بنابراین جا دارد مراکز آموزشی و پژوهشی تئوری نقش قرآن در تحول علوم انسانی را نشان دهند، ضمن اینکه به شخصه معتقدم باید در هر کدام از رشته های علوم انسانی و به ویژه علوم رفتاری و اجتماعی مباحث مربوط به قرآن در قالب واحد های درسی بیان و انسان مطلوب قرآنی مورد بررسی قرار گیرد.